



۲۰۱۷/۰۶/۰۱



حمید انوری

## از رگ رگ کابل خون جاریست!



کابل نازنین باز هم خونین است و از رگ رگ کابل همچنان خون جاریست. خون زن، خون مرد، خون پیر، خون جوان، خون طفل، خون کودک، این همه خون، خون هموطن من و تو است که در کوچه کوچه کابل و در خانه خانه کابل هر شام و پگاه و هر گاه و بیگاه بر زمین میریزد هموطن!

البته کابل در این خون ریختن ها و باران دود و خون و خاک و خاکستر تنها نیست، خون هموطن من و تو هموطن، خون خواهر و برادر من تو، خون زن و فرزند، پدر و مادر من تو هموطن هر روز در سرتاسر کشور به خاک و خون کشیده من تو بدون یک لحظه درنگ بر زمین میریزد هموطن.

این برادر نازنین من و تو هموطن که عکس خونین و پاره پاره او را در بالا می بینید، با همین قامت رسا و همین جوانی در حال فنا، در حالیکه به شدت زخم خورده است و به مشکل روی پا بند است، با تمام غیرت و شهامت افغانی خود منتظر هیچ امبولانسی نشده و کشان کشان سوی شفاخانه ای در حرکت است.

این برادر نازنین من و تو هموطن با یک دنیا آرزو و امید، با تن خونین و جسم پاره پاره چنان با یک شهامت خارق العاده قدم برمیدارد که تو گوئی هیچ اتفاقی نیفتاده است، اما او خوب میداند که با این تن پاره پاره و با ریختن این همه خون شاید هرگز به مقصد نرسد، که با هزاران هزار درد و دریغ هرگز هم نرسید.

اما چه شهامت و چه غیرت و چه جوانی که هرگز از حرکت باز نه ایستاد. او همچو سرو با قامت افراشته به ابدیت پیوست. یادش همیشه گرمی باد!!!

دشمنان زیون و قسم خورده این سرزمین بلا رسیده، چنان زیونانه عمل کردند که نه تنها نام افغان و افغانیت را بر زمین زدند، بلکه اسلامیت و انسانیت خود را نیز با تلی از خاک و خون خاکستر و گوشت و پوست و استخوان آدم که توتۀ توتۀ و پارچه پارچه نمودند، به خوبی به نمایش گذاشتند.

عکس بالا که لرزه بر اندام هر انسان با شرف و با وجدان می اندازد، فقط نمونۀ کوچکی از آنهمه وحشت و بربریت است که این جنایت پیشگان شرف باخته و وجدان مرده در منطقۀ وزیراکبر خان کابل از خود به نمایش گذاشتند.

در این سرزمین گوئی دیرباریست که انسانیت مرده است، وجدان ها خفته است و شرف و عزت و آبرو سر هر چهار راه به حراج گذاشته شده است.

چند مشت زنازادگان تاریخ به این نام و یا آن نام، به این رسم یا آن رسم دیگر، سخت مشغول ریختن خون هموطنان خود اند و گویا از این همه خون ریزی لذت میبرند.

این فرزندان ناخلف در این ماه مبارک رمضان، با خون هموطنان خود وضو میگیرند، با لباس خونین به سجده میروند و از گوشت و پوست هموطنان خود که در طبق بیگانه ریخته اند؛ افطار میکنند و شکر خدا را بجا می آورند و میگویند که "جهاد در ماه رمضان فرض است و ثواب بیشتر دارد".

حال هیچ تفاوتی وجود ندارد که این مشت جنایتگستر خود را "طالب" می نامند یا "داعش" و یا هر بد و بلائی دیگر، همه و همه سر و ته یک کرباس اند و در خدمت اجنبی و مشغول کشتار هموطنان خود.

به این جنایتکاران بی آبرو و بی آرم دلگرمی داده اند که اگر پریروز و دیروز و امروز مشغول ریختن خون های پاک هموطنان بودید و هستید، اگر وطن را به تلی از خاک و خاکروبه و خاکستر مبدل ساختید و می سازید هنوز، اگر هزاران مادر و پدر و خواهر و برادر و زن و فرزند مردم را به غم و ماتم نشانیدید و می نشانید هنوز، اگر انتحاری بودید یا انفجاری، اگر جهادی بودید یا طالبی یا داعشی یا...، فردا در بدل آنهمه جرم و جنایت و خطا و خیانت و قتل و کشتار و چور و غارت و راکت پرانی و...، پاداش های بی بدیل، معاشات سرسام آور، امکانات بی حد و مرز و چاکر و نوکر و بادبگارد های تا دندان مسلح و قصر های مفشن در اختیار تان گذاشته می شود.

و چنین است که صلح به این کشور جنگ زده هرگز بر نخواهد گشت، تا زمانیکه عدالت واقعی به اجرا گذاشته نشود.

در این سرزمین سوخته جنایت مکافات در قبال دارد و نه مجازات. مجازات در این ویرانه سرا یک شوخی بی مزه است.

تا چه وقت و کدام زمان فقط به بازماندگان قربانیان تسلیت بگوئیم و به زخمی ها، مجروحین و معلولین صحت عاجل و کامل از خدا طلب کنیم و دست روی دست بگذاریم، باید کاری کرد که جنایتکاران از هر قوم و قبیله ای که باشند و مربوط هر جناح و گروپ و حزب و سازمان و جنبش و... که باشند، بدون درنگ به محکمه کشانیده شوند؛ نگذاریم که جنایتکاران جنگی را پاداش دهند، نگذاریم که از قاتلین ملت و مردم ما تاجی ساخته و بر سر ما گذارند.

عدالت یعنی چه؟؟؟

ننگ و نفرین بر عاملین شرف باخته و وجدان مرده فاجعهٔ اخیر وزیراکبر خان مینهٔ کابل نازنین که خون های پاک بیش از پنجد(۵۰۰) نفر از هموطنان معصوم، مظلوم و بی گناه ما را ددمنشانه بر زمین ریختند. هموطن این عکس تاریخی هموطن در خون خفتهٔ خویش را به خاطر بسپارید، اسم و رسم او را جستجو کنید تا در تاریخ خونین کشور ثبت گردد و هر ساله در همین روز از این برادر با شهامت خود و تمام شهدای مظلوم وزیراکبر خان یادآوری گردیده و به عاملین دد منش این فاجعهٔ عظیم نفرین فرستاده شود، تا آن زمان که عدالت به اجرا گذاشته شود و هر جرم و جنایتی را مجازاتی در قبال باشد.

شهری که شه و شحنه و شیخش همه مستند

شاهد شکند شیشه که بیم عسسی نیست

